

رشد اخلاقی از دیدگاه نهج البلاغه با مدّ نظر قرار دادن نظریه کولبرگ

علی اصغر کاکوجویباری^۱
مهناز علی اکبری دهکردی^۲
فریده صیدی^۳

چکیده

هدف: موضوع اخلاق و رشد اخلاقی جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ اسلامی دارد و مورد توجه خاص امام علی (ع) بوده است. از سوی دیگر، نظریه پردازان مختلفی هر یک بنا بر زمینه ایدئولوژیکی و فرهنگی خود در این زمینه نظریه پردازی کرده‌اند و اکثر آنها نتوانسته‌اند از زندگی عرفی انسان فراتر رفته، بنیانهای روحانی و انگیزشی در اخلاق را که ریشه در فطرت الهی آدمی دارد، مورد توجه قرار دهند. هدف پژوهش حاضر، بررسی نظریه رشد اخلاقی کولبرگ با رویکرد نهج البلاغه است. **روش:** روش پژوهش توصیفی-تحلیلی با تمرکز بر رویکرد تحلیل محتوا و از جهت هدف، کاربردی است. **یافته‌ها:** مراحل یک و دو و سه نظریه کولبرگ در متون نهج البلاغه دیده نشد و مفاهیم قضاوت اخلاقی در نهج البلاغه شامل مراحل چهار و پنج و شش بودند. **نتیجه گیری:** تحلیلها نشان داد که امام علی (ع) در موقعیتهای اجتماعی و آنجا که برای عموم مردم صحبت می‌کردند و مسائلی همچون یاری انسانها را متذکر می‌شدند، از ادبیات مرحله چهار استفاده می‌کردند؛ اما در موقعیتهایی که به تبیین رابطه خود با پروردگار یا بیان اشتیاق خود به شهادت یا بیان نگرش خود به اجرای عدالت و ... می‌رسند، از ادبیات مرحله پنج و شش استفاده می‌کنند.

واژگان کلیدی: اخلاق، رشد اخلاقی، نظریه کولبرگ، نهج البلاغه.

دریافت مقاله: ۹۴/۱۰/۱۵؛ تصویب نهایی: ۹۵/۰۶/۰۲

۱. دانشیار گروه روان‌شناسی پیام نور، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی پیام نور، تهران، ایران.

۳. دانشجوی دکتری روان‌شناسی پیام نور (نویسنده مسئول) / نشانی: تهران، خیابان دیباجی شمالی، خیابان شهید نوریان، کوچه شهید نوریان،

کوچه صفا، مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور / شماره: ۰۲۱-۸۸۹۶۲۷۱۱ / Email: Saydi1145@gmail.com

الف) مقدمه و مسئله پژوهش

رشد اخلاقی از منظر اسلام، معنای عمیق و گسترده و جایگاهی والا و ارزشمند دارد. «رشد و تربیت» از دیدگاه اسلام، «رشد و تربیت اخلاقی» است و هدف اسلام این است که انسان را به جایگاه اخلاقی و ارزشی او برساند؛ چنانچه پیامبر اسلام (ص) می‌فرمایند: من برای تمام و کامل کردن مکارم اخلاق به پیامبری مبعوث شدم. با توجه به جایگاه رفیع اخلاق در دین مبین اسلام، پرداختن به مسئله رشد اخلاقی، به ویژه از دیدگاه امام علی (ع)، امری ضروری و بایسته است. از این رو، هدف از نگارش این مقاله، ارائه تصویری از نظام اخلاقی و رشد استدلال اخلاقی از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه است. رشد اخلاقی در حقیقت به معنی درونی شدن معیارها و ارزشهای انسان و ایجاد تعهد قلبی نسبت به اصول ارزشی و اخلاقی، در غیاب مهارهای خارجی است و مراحل این انتقال، از عوامل بیرونی برانگیزاننده رفتار به احساسات شخصی و اعتقادات درونی، نمایانگر مراحل رشد اخلاقی می‌باشد.

در اصطلاح، اخلاق مکرراً معادل *Ethic* ترجمه می‌شود. گاهی کلمات *Moral* و *Ethic* در ترجمه معادل یکدیگر و به معنای اخلاق به کار می‌روند (رینهارت، ۲۰۰۲: ۷۹-۵۵). در فرهنگ لغت، *Ethic* مترادف با علم اخلاق و اخلاقیات و واژه *Moral* به معنای اخلاقی و *Morality* به معنای اخلاق به کار رفته است. (نقه‌الاسلام، ۱۳۷۸: ۱۵۵-۱۴۱)

یکی از حوزه‌های روان‌شناسی که به نحو مستقیم با اخلاق و قضاوت‌های اخلاقی سروکار دارد، «روان‌شناسی اخلاق»^۱ است. هدف از این شاخه علمی، بررسی این موضوع است که به لحاظ روان‌شناسانه و شناخت‌شناسانه، قضاوت‌های اخلاقی چگونه در مراحل مختلف رشد انسان شکل می‌گیرند و این قضاوت‌ها یا به عبارتی، نظرگاه اخلاقی فرد، چگونه و با چه سازوکاری در کنار دیگر قوای فکری و استدلالی او منشأ اثر می‌شوند. (شیخ‌شعایی، ۱۳۸۷: ۱۴۵)

یکی از مسائل مهم در ایدئولوژی اسلامی، پی‌ریزی جامعه‌ای متکی بر اخلاق اسلامی است که در آن انسانها؛ باتقوا، زاهد، باایمان، عاقل و آگاه، متواضع، صادق و عادل تربیت شوند. مسئله پژوهش یا مهم‌ترین دغدغه‌های محقق این است که: رشد همه‌جانبه افراد در جامعه اسلامی، بستگی به تدوین و ارائه نظریات علمی منطبق با فرهنگ، اعتقادات و ارزشهای جامعه اسلامی دارد. لذا بر پژوهشگران جامعه اسلامی است که در وهله اول به تبیین و تشریح قواعد موجود، منطبق با موازین اسلامی اقدام کند.

این پژوهش از جهات ذیل حائز اهمیت است:

۱. *Moral Psychology*

رشد اخلاقی از دیدگاه نهج البلاغه با مد نظر قرار دادن نظریه کولبرگ ۴۲۱

- تقویت مبانی نظری رشد اخلاقی بر اساس پایه‌های دینی و اعتقادی؛
 - فراهم آوردن زمینه‌های پژوهشی مرتبط و مورد علاقه سایر پژوهشها.
- در این راستا و با توجه به جایگاه رفیع تربیت و رشد اخلاقی، پرداختن به این موضوع، به ویژه از دیدگاه امام علی(ع) امری ضروری و انکارناپذیر است. پژوهش حاضر درصدد بررسی این موضوع، از طریق پاسخگویی مستدل و تحلیلی به پرسشهای ذیل است:

۱. مراحل رشد اخلاقی در متن نهج البلاغه در شش مرحله قضاوت اخلاقی کولبرگ بر پایه کدام مراحل استوار است؟
۲. تفاوت مراحل در مضامین کتاب نهج البلاغه براساس کدام موقعیت و متن پیام است؟
۳. کتاب شریف نهج البلاغه مضامین اخلاقی را در مراحل شش گانه نظریه کولبرگ، با چه مدل مفهومی بیان می کند؟

ب) مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اخلاق، رشته‌ای است که در حد فاصل فلسفه و روان‌شناسی قرار دارد. فلاسفه تلاش می‌کنند برای اخلاقی یا غیر اخلاقی دانستن بعضی رفتارها، توجیهات منطقی ارائه کنند، اما روان‌شناسان در پی تبیین این مسئله‌اند که چرا مردم به شیوه‌های اخلاقی یا غیر اخلاقی عمل می‌کنند(جهانگیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۰۲). کولبرگ با اصلاح و توسعه کار پیائز، نظریه جدیدی ارائه کرد و به توصیف «رشد استدلال اخلاقی» پرداخت. پیائز فرایندی دو مرحله‌ای را برای «رشد اخلاقی» تشریح کرد؛ در حالی که «نظریه رشد اخلاقی کولبرگ»، شش مرحله در داخل سه سطح مختلف را در بر می‌گیرد. از نظر کولبرگ، رشد اخلاقی یک فرایند مداوم است که در سراسر دوره عمر اتفاق می‌افتد. کولبرگ مانند پیائز، معتقد است که رشد اخلاقی اساساً نشأت گرفته از استدلال اخلاقی است که در طی مراحل مختلفی(از کودکی تا نوجوانی) شکل می‌گیرد. او طی سالها تحقیق و آزمون و مصاحبه و طراحی و ارائه ۱۱ داستان حاوی معماهای اخلاق به کودکان و نوجوانان و طرح چند سؤال درباره هریک از داستانها، نظریه خود را مطرح کرد.(لطف‌آبادی، ۱۳۸۴؛ کولبرگ، ۱۹۶۹: ۶۷؛ همو، ۱۹۷۶؛ ۱۹۸۱؛ ۱۹۸۶؛ کولبرگ و گیلیکان، ۱۹۷۱)

کولبرگ به پاسخ سؤالات در این مورد که کار درستی انجام شده است یا خیر، زیاد علاقه‌مند نبود؛ بلکه آنچه برای او جالب بود «استدلالتهایی» بود که در پشت تصمیمات شرکت کنندگان در این نظرخواهی قرار داشت. کولبرگ پاسخهای دریافت‌شده را در قالب مراحل مختلف استدلال، رده‌بندی کرد و رشد استدلال عدالت را به عنوان گسترش فرایند دیدگاهی اجتماعی اخلاقی در سطح رشدی توصیف کرد. در

۴۲۲ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۸

هر سطح، دو مرحله وجود دارد که دومین مرحله، از لحاظ بروز دیدگاه اجتماعی و اخلاقی، کامل‌تر از مرحله اول است. (کین و اسمتنا، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۴۸)

سطح ۱: اخلاق پیش‌قراردادی

مرحله ۱: اطاعت و تنبیه؛ در این مرحله بچه‌ها قوانین را ثابت و مطلق می‌انگارند. اطاعت از قوانین بسیار مهم است؛ زیرا باعث جلوگیری از تنبیه می‌شود.

مرحله ۲: فردگرایی و مبادله؛ در این مرحله نقطه‌نظرات فردی و قضاوت بچه‌ها بر پایه چگونگی برآورده ساختن نیازهای فردی قرار دارد.

سطح ۲: اخلاق قراردادی

مرحله ۳: روابط میان فردی؛ این مرحله بر زندگی مطابق نقشها و انتظارات اجتماعی تمرکز دارد. هم‌رنگی با جماعت، «خوب» جلوه کردن و ملاحظه تأثیر تصمیمات بر روابط، مورد تأکید قرار می‌گیرد.

مرحله ۴: حفظ مرتبه اجتماعی؛ در این مرحله از رشد اخلاقی، انسانها به هنگام قضاوت کردن، جامعه را به صورت کلی در نظر می‌گیرند. تمرکز اصلی بر حفظ قانون، پیروی از مقررات، انجام وظیفه و احترام به مافوق است.

سطح ۳: اخلاق پس‌قراردادی

مرحله ۵: قراردادهای اجتماعی و حقوق فردی؛ در این مرحله انسانها شروع به در نظر گرفتن ارزشها، عقاید و باورهای متفاوت می‌کنند. قوانین برای حفظ یک جامعه اهمیت دارند، اما افراد جامعه باید این استاندارد و چارچوبها را قبول داشته باشند.

مرحله ۶: اصول همگانی؛ آخرین سطح از استدلال اخلاقی کولبرگ بر پایه اصول اخلاقی همگانی و استدلال انتزاعی قرار دارد. در این مرحله، انسان از این اصول که ملکه ذهنشان شده است پیروی می‌کنند، حتی اگر با قوانین و مقررات تناقض داشته باشند. (کولبرگ، ۱۹۷۶)

کولبرگ معتقد است که این سطوح و مراحل در قضاوت اخلاقی، به ترتیب و تدریج که سن فرد بالا می‌رود، در او شکل می‌گیرد. استدلالهای کودک در معماهای اخلاقی، قبل از ۹ سالگی، در سطح اول (یعنی در سطح اخلاق پیش‌قراردادی) است. در اوایل نوجوانی این استدلال عموماً در سطح دوم است و گاهی بین مرحله دوم و چهارم نوسان می‌کند. در نیمه نوجوانی گروهی از نوجوانان به مرحله چهارم نوسان می‌کند. فقط اقلیتی از افراد در دوره نوجوانی و بزرگسالی به سطح اخلاق فوق‌قراردادی، آن هم صرفاً تا مرحله پنجم دست می‌یابند. کودک در سطح پیش‌قراردادی، اغلب رفتار خوبی دارد. این رفتار اخلاقی

رشد اخلاقی از دیدگاه نهج البلاغه با مد نظر قرار دادن نظریه کلبیگ ۴۲۳

کودک بر اساس اجتناب از تنبیه و کسب پاداش تبیین می‌شود. او در این سطح از تفکر اخلاقی، نسبت به داوری‌های اخلاقی خوب و بد محیط حساس است. به سادگی می‌توان رفتار کودک را مطابق پیامدهای مادی آن رفتار یا برحسب قدرت کسانی که قانون را برای او می‌سازند (معمولاً پدر و مادر) تفسیر کرد. اما رفتار اخلاقی کودک در سطح قراردادی، برای سازگاری و هماهنگی با نظم اجتماعی و تمایل برای حفظ نگهداری این نظم است. کودک در این دوره با والدین خود همانندسازی می‌کند و خود را با آنچه به عنوان درست و غلط ارائه می‌دهند، تطبیق می‌دهند. در سطح فوق قراردادی استدلالها و قضاوت‌های فردی درونی شده و رفتار اخلاقی به وسیله یک اصل اخلاقی درونی شده هدایت می‌شود. در این مقطع، اخلاق بر اساس اصولی جهانی و برتر از قراردادهای اجتماعی تجلی می‌کند. رفتار و برخوردهای اخلاقی بر اساس اصول اخلاق عمومی حل می‌شود و سرپیچی از آن برای فرد گناه و محکومیت به وجود می‌آورد.

کولبرگ دریافت که یک فرد معمولی از جهاتی به مرحله پایین تر قضاوت اخلاقی و از جهات دیگری در مرحله بالاتر قرار می‌گیرد و ممکن است برخی افراد با وجود افزایش سن خود، به مرحله پایین تری تنزل کنند. همچنین به این نتیجه رسید که با رشد فرد از دوره کودکی به دوره نوجوانی، استدلال اخلاقی وی از حالت کنترل بیرونی به حالت کنترل درونی شده تغییر پیدا می‌کند. (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴: ۱۰۴-۷۶)

کولبرگ به «رشد استدلال‌های اخلاقی» بیشتر از «رفتار اخلاقی» توجه می‌کرد. از نظر او، کودک و بزرگسال ممکن است هر دو یک عمل اخلاقی را انجام دهند؛ در حالی که رشد اخلاقی آنها یکسان نباشد. در واقع؛ از نظر آنچه در «عمل اخلاقی» باید «مهم» تلقی شود، «نه خود عمل اخلاقی»، بلکه «پشتوانه و زیربنای استدلال عمل اخلاقی» است. (میرلو، ۱۳۸۷)

ج) روش‌شناسی

تحلیل محتوا یکی از روش‌های اساسی مشاهده اسنادی محسوب می‌شود که به وسیله آن می‌توان هر نوع سند و ضبط شده‌ای را، خواه مربوط به گذشته یا زمان حال، به طور دقیق ارزیابی و بررسی کرد. در این روش، محقق به جای بررسی باورها و نگرش‌های افراد، به شیوه‌های متفاوت به تحلیل پیام‌های تولید شده آثار اسنادی آنها می‌پردازد. در واقع؛ «تحلیلگر محتوا» می‌تواند محتوای نامه‌ها، مجلات، اشعار، ترانه‌ها، نقاشی‌ها، عکسها، فیلم‌های سینمایی، کتابها، سخنرانی‌ها و هر نوع سند دیگری را تحلیل کند. عده‌ای از صاحب‌نظران این روش را نوعاً از جمله روش‌های «غیر واکنشی» و «غیرمداخله‌ای» نام نهاده‌اند. (آذری، ۱۳۷۷: ۸۱-۷۶)

در یک رویکرد، تحلیل محتوا به سه دسته تحلیل محتوای صوری، ساختاری و مضمونی تقسیم می‌شود. تحلیل محتوای مضمونی، روشی است که محقق به کمک آنها تصورات اجتماعی یا قضاوت‌های گویندگان را بر مبنای تحلیل برخی از عناصر تشکیل دهنده گفتارشان آشکار می‌کند. استفاده منظم از داده‌های تحلیل

۴۲۴ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۸

محتوا، امکان پذیرش استنتاجاتی را که فراتر از فهم و درک متنی دشوارند، تا اندازه‌ای زیاد فراهم می‌سازد. همچنین تحلیل محتوا این امکان را به محقق می‌دهد که متون دشوار و نامأنوس برای یک گروه فرهنگی را به متنی معنادار و قابل فهم تبدیل کند. (کرپیندورف، ۱۳۷۳: ۵۰-۴۶)

در پژوهش حاضر در نظر است با بهره‌گیری از نظریه تحول اخلاقی کولبرگ، به بررسی و تفحص در کتاب شریف نهج البلاغه پرداخته و در واقع؛ با تحلیل محتوای کتاب نهج البلاغه، به پرسشهای پژوهش پاسخ دهیم. در این راستا، کلیه متون خطب و مواعظ و نامه‌های نهج البلاغه بررسی و کلیه مضامین قضاوت اخلاقی براساس مراحل کولبرگ شناسایی و استخراج شد.

آنچه کار در این پژوهش را دشوار می‌ساخت، این بود که بتوان قضایا و مضامین قضاوت اخلاقی را در کتاب نهج البلاغه شناسایی کرد و بتوان تطابقی بین آنها و مراحل تحول اخلاقی از نظر کولبرگ برقرار ساخت؛ چرا که با وجود تأکید کولبرگ مبنی بر نوع استدلال یکسان در کلیه فرهنگها، اولاً محتوای پیامهای اخلاقی در فرهنگها متفاوت است و ثانیاً اساس نظریه کولبرگ خالی از تأثیر فلسفه دموکراسی نیست و این تأثیر ایدئولوژیک به نحوی در سطح سوم تحول اخلاقی در این نظریه منعکس است. لذا با شواهدی از زمینه فرهنگی کشورمان، به خصوص فرهنگ مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی، قضایا و مضامین قضاوتی را به همراه برخی از مفاهیم اخلاقی نظیر ارزش عبادت، توکل، جهاد، عدالت اجتماعی، ارشاد خلق، نفی دنیاطلبی و ... بیان می‌کنیم و تبیین مبتنی بر این راه، اساس برای شناسایی قضایا و مضامین اخلاقی در کتاب نهج البلاغه قرار می‌دهیم.

(د) یافته‌های تحقیق

در این پژوهش با تحلیل محتوای نهج البلاغه به سؤالات تحقیق به شرح ذیل پاسخ داده شده است.

۱. سؤال اول:

مراحل رشد اخلاقی در متن نهج البلاغه در شش مرحله قضاوت اخلاقی کولبرگ بر پایه کدام مراحل استوار است؟

تحلیل داده‌ها نشان داد که سه مرحله اول قضاوت اخلاقی کولبرگ در متن خطبه‌ها و نامه‌ها دیده نشد و تنها مراحل چهار و پنج و شش دیده شد که در قالب جدول فراوانی ذیل قابل مشاهده است.

رشد اخلاقی از دیدگاه نهج البلاغه با مد نظر قرار دادن نظریه کلبیگ ۴۲۵

جمع	شماره خطبه‌ها و نامه‌ها	مراحل قضاوت اخلاقی از دیدگاه کولبرگ
۴۵	خطبه ۲، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۴۴، ۵۱، ۶۳، ۶۵، ۷۳، ۸۱، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۸، ۱۷۵، ۱۸۱، ۱۸۲، ۲۰۷، ۲۳۳، ۲۳۴ و نامه‌های ۳ و ۵ و ۳۱ و ۵۳ و ۵۹	مرحله ۴
۲۲	خطبه ۱۵، ۴۱، ۳۳، ۴۲، ۹۸، ۱۲۳، ۱۰۱، ۱۴۰، ۱۵۸، ۱۶۶، ۱۷۵، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۸۷، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۵، نامه‌های ۲۵، ۴۵، ۴۷	مرحله ۵
۲۲	خطبه ۲۳، ۷۳، ۸۵، ۸۶، ۱۰۸، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۷۴، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۸ و نامه‌های ۲۲ و ۲۳	مرحله ۶

ذکر نمونه‌هایی برای مرحله ۴:

«پس هر کاری که مثلش را از دیگری نمی‌پسندی، انجام مده و درباره چیزی که خداوند بر تو واجب کرده، نفست را موظف کن.» (نامه ۵۹: ۱۱۳۷)

در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «بنابر این توجه کن برای فرماندهی سپاه خویش، فردی را انتخاب کن که به نظرت از دیگران خیرخواه‌تر و در برابر فرمان پروردگار و رسول خدا و امامت، مطیع‌تر باشد. از میان اشخاص، بردبارترین را برگزین؛ کسی که هنگام خشم، صبوری کند و از پذیرفتن عذر خطاکار آرامش یابد، با ظریفان مهربان و با زورگویان تند باشد؛ کسی که درستی دیگران او را از جا نکند و نرمی و ملاحظت او را نگیرد.»

ذکر نمونه‌هایی برای مرحله ۵:

امام علی (ع) در خطبه ۱۹۶ می‌فرماید: «خدا رحمت کند آن کسی که حق را ببیند و آن را یاری کند یا ظلم را ببیند و به ستیز با آن برخیزد و همواره علیه ظالم به ستم‌پسندگی کند.» همچنین در خطبه ۳۳ در حالی که مشغول پینه زدن بر نعلین خود بودند، در جواب سؤالی که عبدالله بن عباس از ایشان پرسیدند، پاسخ دادند: «به خدا سوگند این کفش نزد من از فرمانروایی بر شما محبوب‌تر است، مگر آنکه حقی را برپا سازم و باطلی را براندازم.»

ذکر نمونه‌های برای مرحله ۶:

امام علی (ع) در خطبه ۲۱۵ می‌فرماید: «به خدا سوگند! اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمانهاست به من دهند تا پروردگار را نافرمانی کنم و پوست جوی را به ناروا از دهان مورچه‌ای بگیرم، چنین نخواهم کرد و دنیای شما نزد من از برگی که ملخی مشغول جویدن آن است، پست‌تر است.» همچنین در خطبه ۱۲۲ می‌فرماید: «همانا گرمی‌ترین مرگها، کشته شدن در راه پروردگار است. قسم به آن کسی که جان فرزند

ابی طالب در دست اوست، هزار مرتبه ضربت شمشیر خوردن بر من آسان تر است از اینکه در غیر طاعت پروردگار، در بستر بمیرم».

۲. سؤال دوم:

تفاوت مرحله‌ها در مضامین کتاب نهج البلاغه بر اساس کدام موقعیت و متن پیام است؟

به طور خلاصه امام علی(ع) در موقعیتهای اجتماعی و موقعیتهایی که اصول و آداب روابط صحیح افراد جامعه اسلامی با همدیگر را آموزش می‌دادند و حقوق و وظایف شهروندی را به مردم و زمامداران جامعه اسلامی متذکر می‌شدند، از ادبیات مرحله ۴ استفاده می‌کردند. البته طبق فرمایش امام علی(ع) در خطبه ۳۴ نهج البلاغه که می‌فرمایند: «حق شما بر من این است که از خیرخواهی شما دریغ نکنم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا نادان نمانید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید»، تربیت اجتماعی جامعه مسلمین از وظایف حاکمان جامعه اسلامی است. در این راستا امام علی(ع) ضمن پند و اندرزهای خود به مردم و نامه‌هایی که به فرمانداران می‌نوشتند، از ادبیات مرحله ۴ استفاده می‌کردند؛ همچنین در ترغیب مردم به کارهای پسندیده و اخلاق عملی، دعوت به پیروی از رسول خدا(ص)، تشویق اصحاب به جهاد و تعلیم آداب جنگی و ...

به عنوان نمونه در ادامه مثالهایی آورده می‌شود که در آنها امام علی(ع) در موقعیتهای اجتماعی، آداب و اصول روابط صحیح اجتماعی را متذکر می‌شوند:

در خطبه ۱۷۵ می‌فرمایند: «... پس بر شماست که دقت کنید در دین خدا؛ به هر رنگی درنیابید و از دورویی و تفرقه پرهیز کنید، که همراه جماعت بودن در حقی که آن را دوست ندارید، بهتر است از تفرقه و پراکنده شدن به خاطر باطلی که آن را دوست می‌دارید». همچنین در خطبه ۲۳ می‌فرمایند: «اگر یکی از شما فامیل تنگدستی دارد، مبادا در برطرف کردن ناداری او کوتاهی کند، آن هم از مالی که اگر احسان نکند، زیاد نمی‌شود و اگر صرف کند، کم و کاست نمی‌سود. کسی که در کمک کردن به بستگان دریغ کند، یک دست را در یاری رساندن به آنها بسته، ولی دستهایی را برای کمک به خود بسته. پس هر که در برخوردها نرم‌خو باشد، دوستی و ارادت اقوام به او پایدار خواهد بود».

در ادامه پاسخ به سؤال دوم پژوهش به این مسئله می‌پردازیم که امام علی(ع) در چه موقعیتهایی از ادبیات مرحله ۵ استفاده می‌فرمودند.

در ادبیات مرحله ۵، امام علی(ع) پا را از موقعیتهای اجتماعی و ارشاد و انذار خلق در اجتماع به منظور داشتن جامعه‌ای سالم و پویا، فراتر نهاده و به انجام عمل اخلاقی برای رضای خدا و اخلاق‌گرایی توأم با تقوایی می‌پردازد که این موقعیت، بالطبع فردی‌تر بوده و مشمول همه افراد جامعه نمی‌شود، بلکه

رشد اخلاقی از دیدگاه نهج البلاغه با مد نظر قرار دادن نظریه کلبیگ ۴۲۷

خاصان و پاکان را شامل می‌شود. در این مرحله، نامه‌هایی که حضرت به فرزندان خود نوشته یا نامه‌هایی که به مالک اشتر نوشته‌اند، دیده می‌شوند. همچنین، خطبه‌هایی که در اشتیاق به شهادت یا بی‌میلی از دنیا و توصیف عبادت و پیروی نکردن از هوای نفس‌اند یا نامه‌ها و خطبه‌هایی که در نشان دادن راه سعادت در توصیف اهل تقوایند، همه در این مرحله دیده می‌شوند.

به عنوان مثال در نامه ۴۵ می‌فرمایند: «من نفس خود را با تقوا پرورش می‌دهم تا در روزی که بزرگ‌ترین ترسهاست، در امان باشم. اگر بخواهم می‌توانم غسل مصفا و مغز گندم و لباس ابریشمین برای خود تهیه کنم، ولیکن هیئات که هوای نفس بر من چیره شود؛ در حالی که در حجاز و یمامه افرادی باشند که حسرت یک قرص نان را داشته باشند یا هرگز شکمی سیر نخورند». همچنین در نامه ۲۵ خطاب به کسی که مأمور گرفتن زکات بود نوشتند: «بر کاری که تو را بدان مأمور کرده‌ام با ترس از خدای یکتا حرکت کن. مبادا مسلمانی را بترسانی. اگر از دادن زکات ناراضی بود، زمین و زراعت او را زیر پا مگذار. اگر کسی گفت نه، با او کاری نداشته باش و اگر کسی گفت آری، بدون آنکه سختگیری کنی، همراه او برو و هر چه خودش می‌دهد بگیر. بدون اجازه سراغ احشامش مرو و هر گاه به محل حیوانات وارد شدی، مثل آدمهای ظالم و سختگیر وارد مشو».

بخش دیگر پاسخ به سؤال دوم پژوهش، پرداختن به این مسئله است که امام علی(ع) در چه موقعیتهایی از ادبیات مرحله شش استفاده می‌کردند.

در پاسخ باید گفت که به طور خلاصه امام علی(ع) در موقعیتهای عرفانی و ملکوتی که فقط به رابطه خود و خدای خویش می‌پردازند، با این ادبیات صحبت می‌فرمایند؛ زمانی که نگرش خود را در مورد فضایل و رذایل اخلاقی یا اصول و ارزشهای والای انسانی و الهی در قالب یک کلام روحانی بیان می‌کنند. به عنوان مثال در خطبه ۱۷۴ می‌فرمایند: «ای مردم! به خدا شما را به طاعتی تشویق نمی‌کنم مگر آنکه خود، قبل از شما بدان عمل کرده باشم و از گناهی شما را نهی نمی‌کنم مگر آنکه خود، پیش از شما از انجام آن خودداری کرده‌ام». همچنین در نامه ۲۳ کمی قبل از شهادت و پس از ضربه خوردن خطاب به فرزندانشان فرمودند: «اگر شهید شدم، مرگ وعده‌گاه من است و اگر ببخشم، بخشش برایم وسیله قرب به پروردگار است و برای شما کار پسندیده‌ای است. بنا بر این، ببخشید. به خدا قسم! من از مرگ کراهت ندارم، بلکه چون تشنه‌ای هستم که در تاریکی شب به آب رسیده‌ام و همانند کسی هستم که در آرزوی چیزی است و هم اینک مطلوب خویش را یافته است (و آنچه نزد پروردگار است برای نیکان بهتر است)».

۳. سؤال سوم:

کتاب نهج البلاغه، مضامین اخلاقی را در مراحل شش گانه نظریه کولبرگ، با چه مدل مفهومی بیان می‌کند؟

۴۲۸ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۸

در جدول ذیل، مفاهیم اخلاقی موجود در نهج البلاغه، مانند جهاد، عدالت و تقوای پیشگی که بیشترین تکرارها را در نهج البلاغه دارند، منطبق با مراحل نظریه رشد اخلاقی کولبرگ آورده می‌شوند. گفتنی است به دلیل اینکه سه مرحله اول نظریه رشد اخلاقی کولبرگ در متون نهج البلاغه دیده نشد، از مرحله چهار تا شش مثالها را در جدول قرار داده‌ایم.

مقایسه مفهوم اخلاقی جهاد در مراحل مختلف

مفاهیم مراحل	مفهوم جهاد
مرحله ۴	«آری، بندگان برگزیده پروردگار، دل از دنیا کنده و اندک دنیا را که از بین رفتنی است، به زیاد آخرت که جاودانی است، معامله کردند. به جهاد خوانده شدند؛ پذیرفتند، به رهبر خود اعتماد کردند و از او پیروی کردند». (خطبه ۱۸۱: ۶۶۱)
مرحله ۵	«فته جوان آدمهایی اند که بیشتر آزار و اذیت می‌کنند و کمتر غارت و چپاول می‌کنند. انسانهایی با آنها جهاد می‌کنند که در نظر مستکبران خوانند، در روی زمین گمنام و در آسمان شناخته شده و دارای قدر و منزلتند». (خطبه ۱۰۱: ۳۴۹)
مرحله ۶	«همانا گرامی‌ترین مرگها، کشته شدن در راه پروردگار است. قسم به آن کسی که جان فرزند ابی طالب در دست اوست، هزار مرتبه ضربت شمشیر خوردن بر من آسان‌تر است از اینکه در غیر طاعت پروردگار در بستر بمیرم». (خطبه ۱۲۲: ۴۳۷)

مقایسه مفهوم اخلاقی عدالت در مراحل مختلف

مفاهیم مراحل	مفهوم عدالت
مرحله ۴	«پروردگارا، تو بر آنچه بر ما گذشت آگاهی، و می‌دانی که همه آنها نه به خاطر رسیدن به حکومت بود و نه برای زیاده‌طلبی در امر دنیا، بلکه تصمیم گرفتم نشانه‌های دین را در جای خودش قرار دهم و شهرها را اصلاح کنم تا مردم ستم‌دیده به نوایی برسند و در امنیت قرار گیرند و احکام تعطیل شده به اجرا درآیند». (خطبه ۱۳۱: ۴۶۵)
مرحله ۵	درباره بازگرداندن بیت‌المال به مسلمانان: «به خدا قسم اگر بینم که مهر زنان باشد یا با آن بهای کنیزی پرداخت شده باشد، آن را به بیت‌المال باز می‌گردانم». (خطبه ۱۵: ۸۱)
مرحله ۶	«به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمانهاست به من دهند تا پروردگار را نافرمانی کنم و پوست جوی را به ناروا از دهان مورچه‌ای بگیرم، چنین نخواهم کرد و دنیای شما نزد من از برگی که ملخی مشغول جویدن آن است، پست‌تر است». (خطبه ۲۱۵: ۷۹۱)

رشد اخلاقی از دیدگاه نهج البلاغه با مد نظر قرار دادن نظریه کلبیرگ ۴۲۹

مقایسه مفهوم اخلاقی تقوا در مراحل مختلف

مفهوم تقوا	مفاهیم مراحل
«بنابر این آن که پرهیزگاری را شعار دل خویش قرار داده و در انجام کارهای پسندیده از دیگران سبقت می‌گیرد، رفتارش سبب رستگاری او می‌شود و پاداش تمام به او می‌رسد. پس تقوا را ارج نهید و به کاری که ثمره‌اش بهشت است مشغول شوید.» (خطبه ۱۲۲: ۴۷۱)	مرحله ۴
«در میان انسانها، اهل تقوا برترین و بهترین هستند. دیده‌هایشان را بر آنچه خداوند تبارک و تعالی حرام کرده می‌بندند، مردم از دست و زبان‌شان درامانند، خداوند در اندیشه آنها بزرگ، و غیر خدا در دیدگان‌شان کوچک و حقیرند.» (خطبه ۱۸۴: ۶۷۵)	مرحله ۵
«اهل تقوا کسی است که: از کسی که بر او ظلم کرده می‌گذرد و بر کسی که بر او مرحمتی ندارد، عطا می‌کند. با کسی که قطع رحم کرده ارتباط برقرار می‌کند ... خود را برای آخرت خویش به زحمت می‌اندازد و مردم را از گزند خویش آسوده ساخته است.» (خطبه ۱۸۴: ۶۸۱)	مرحله ۶

هـ) نتیجه‌گیری و بحث

این پژوهش با هدف مقایسه رشد اخلاقی از منظر نهج البلاغه و نظریه رشد اخلاقی کولبرگ انجام شد. بدین منظور جزء به جزء کتاب نهج البلاغه بررسی و مفاهیم اخلاقی منطبق با نظریه کولبرگ از آن استخراج شد. یافته‌ها نشان دادند که سه مرحله اول قضاوت اخلاقی کولبرگ در متن خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه دیده نشد و استدلالهای اخلاقی موجود در نهج البلاغه شامل مراحل چهار و پنج و شش نظریه کولبرگ بودند که بیشترین فراوانی با مرحله چهار بود.

همچنین یافته‌ها نشان دادند که امام علی (ع) در موقعیتهای اجتماعی و موقعیتهایی که اصول و آداب روابط صحیح افراد جامعه اسلامی را با هم و با زمامداران خود آموزش می‌دادند، از ادبیات مرحله چهار استفاده می‌کردند و در موقعیتهایی که پا را از وظایف اجتماعی فراتر نهاده و جامعه اخلاق مدار را با انسانهای متقی و عابد و پرهیزگار توصیف می‌کنند، از ادبیات مرحله پنج استفاده می‌کنند.

اما در ادبیات مرحله شش، تقوایی و عرفان خاصان و پاکان دیده می‌شود. در این مرحله، اصول و ارزشهای والای انسانی و الهی در قالب یک کلام نورانی و روحانی بیان می‌شود.

طبق یافته‌های این پژوهش، هر مفهوم اخلاقی مثل عبادت، نماز، ایثار، شجاعت، جهاد، عدالت، تقوایی، پرهیز از هوای نفس و ... دارای مفهوم مرحله‌ای است. لذا هر مفهوم مثل جهاد، سه مرحله متمایز و متفاوت دارد که یک مرحله از آن متعلق به مرحله چهار و در آن مرحله، جهاد به عنوان وظیفه فرد

۴۳۰ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۸

مسلمان که این وظیفه هم در برابر برادران دینی و دیگر مسلمانان و هم در برابر ولی امر مسلمین و رهبر جامعه اسلامی بر گردن اوست، محسوب می‌شود.

مرحله دیگر آنکه، جهاد با مفهوم مرحله پنج است؛ به جهاد به عنوان گامی در جهت نزدیک شدن به رضای پروردگار و رسیدن به مقام قرب الهی نگاه می‌شود.

اما در مرحله شش، پا را فراتر نهاده و آنچنان عاشقانه از شهادت در راه خدا صحبت می‌شود که حضرت می‌فرماید هزار مرتبه ضربت شمشیر خوردن بر من آسان‌تر است از اینکه در بستر بمیرم. گویا جهاد تنها راه رسیدن به آمال و آرزوهای خاصان و پاکان است که همان قرب الهی و سعادت ادبی است.

طبق یافته‌های این پژوهش و با توجه به مقایسه مدل رشد اخلاقی کولبرگ و مفاهیم اخلاقی موجود در نهج‌البلاغه، یک تفاوت اساسی در این دو دیدگاه مشاهده شد و آن باور به دو اصل مبدا و معاد در پابندی به سجایای اخلاقی و باور به مرجعیت اخلاقی خداوند، به این معنا که اساس همه چیز در عالم به ذات مطلق الهی بازمی‌گردد و باور به قیامت و باور به یگانگی خداوند و در یک کلام، شمول دین بر اخلاق است؛ زیرا آنچه مسلم است، این است که دین، در بر گیرنده و تعیین کننده و انگیزاننده در مباحث اخلاقی است؛ زیرا شامل اعتقادات و افکار و باورها و اخلاق و رفتار می‌شود.

از دیدگاه کولبرگ و سایر نظریه پردازان حوزه رشد اخلاقی، انسان در طول زندگی از مراحل با ویژگی‌های مخصوص آن مرحله می‌گذرد. از منظر کولبرگ، مراحل رشد اخلاقی، ثابت و بدون تغییرند و استدلال و داوری‌های اخلاقی با جنبه‌های شناختی ارتباط دارند؛ اما از منظر امام علی (ع) قوانین و احکام اخلاقی مطلق و واقعی‌اند و ریشه در تقوای الهی و اعتقادات فرد مسلمان دارند.

در اخلاق از منظر نهج‌البلاغه، بیشترین تأکید بر خودسازی و تقوای پیشگی و پرهیز از هواهای نفسانی است و این در بستر اعتقاد به معاد و روز قیامت صورت می‌گیرد و از این لحاظ، اخلاق از منظر نهج‌البلاغه تفاوت اساسی با دیدگاه کولبرگ دارد. ناگفته پیداست که این بُعد در نظریه کولبرگ نادیده انگاشته شده است.



منابع

- نهج البلاغه. ترجمه دشتی.
- آذری، غلامرضا (۱۳۷۷). «کاربرد تحلیل محتوا در سینما». رسانه، ش ۲/۹: ۷۶-۸۱.
- ثقه الاسلام، طاهره؛ امیدوار رضایی، علی خوشکار، مریم السادات موسوی (۱۳۷۸). «رشد اخلاق در انسان از دیدگاه دانشمندان اسلامی و روان‌شناسان جدید». اخلاق پزشکی، ش ۳: ۱۵۵-۱۴۱.
- جهانگیرزاده، محمدرضا (۱۳۹۰). «دیدگاه‌های شناختی تحولی در رشد اخلاقی». معرفت اخلاقی، ش ۴: ۱۰۱-۱۲۲.
- شیخ شعاعی، علیرضا (۱۳۸۷). «نگاهی به کتاب نظریه‌های سکولار و مذهبی در رشد اخلاقی». روان‌شناسی در تعامل با دین، ش ۲: ۱۷۶-۱۶۵.
- کریپندورف، کلوس (۱۳۷۳). «تجزیه و تحلیل محتوا». ترجمه محمدسعید ذکایی. رسانه، سال پنجم، ش ۴ (زمستان): ۴۶.
- کلین، ملاتی و جودیت اسمتانا (۱۳۸۹). رشد اخلاقی. ترجمه محمدرضا جهانگیرزاده قمی و علیرضا شیخ شعاعی و سید رحیم راستی تبار. قم: مرکز اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۴). «نقد نظریه‌های رشد اخلاقی بیازه و کولبرگ و باندورا و ارائه الگوی نو برای پژوهش در رشد اخلاقی دانش‌آموزان ایران». نوآوری‌های آموزشی، ش ۱۱: ۱۰۴-۷۶.
- میرلو، محمدمهدی (۱۳۸۷). «فیلسوفان کوچک اخلاق». سایت جام جم.
- Nahjol-balaqe. Translated by Dashti.
- Azari, Gholamreza (۱۳۸۸). "The Application of Content Analysis in Cinema". *Quarterly of Media*, ۲/۹: ۷۶-۸۱.
- Clean, Melanie & Judith Smetana (۲۰۱۰). *Ethical Growth*. Translated by M.R Jahangirzadeh Qomi, Sheikh Shoaee & Rasti Tabar. Qom.
- Kohlberg, L. (۱۹۷۶). *Moral stages and moralization: the cognitive developmental approach*. In T. Lickona (Ed), *Moral development and behavior*. New York: Holt, Rinehart & Winston.
- Kohlberg, L. (۱۹۵۸). *The development of modes of moral thinking and choice in the years ۱۰ to ۱۶*. Unpublished doctoral dissertation, University of Chicago.
- Kohlberg, L. (۱۹۶۹). *Stage and sequence: the cognitive-developmental approach*.
- Kohlberg, L. (۱۹۸۶). *A current statement on some theoretical issues*. In S. Modgil & C. Modgil (Eds). Lawrence Kohlberg. Philadelphia: Falmer.
- Kohlberg, L. (۱۹۸۱). *the philosophy of moral development*. New York: Harper & Row.
- Krippendorff, Klaus (۱۹۹۴). "Content Analysis". Translated by M.S. Zokaee. *Media Quarterly*, Year ۳, No. ۴: ۴۵.

- L. Gilligan, C(۱۹۷۱). **The adolescent as a philosopher: The discovery of the self in a post-conventional world.** Daedalus. ۱۰۰-۱۰۵۱-۱۰۸۶.
- Lotf Abadi, Hussain (۲۰۰۵). “**Critics on Ethical Development of Piaget, Kohlberg and Bandura; A New Method for Education in Ethical Growth**”. *Innovation in Education Journal*, No. ۱۱: ۷۶-۱۰۴.
- Mirloo, Mohamad Mehdi (۲۰۰۹). “**Philosophes of Ethics**”. *Jamejam Website*.
- Reinhart, KA.(۲۰۰۲). **Ethics and the Quran.** *Encyclopedia of the Quran.* Vol [۲]. Brill, Leiden-Boston.۵۵-۷۹.
- Seghatol-eslam, Tahere; Omidvar Rezaei, Ali Khoshkar, Maryam-olsadat Mousavi (۲۰۰۰). “**Ethic Development from Perspective of Islamic Scientists and Modern Psychologists**”. *Quarterly of Medical Ethics*, No. ۳: ۱۴۱-۱۵۵.
- Sheikh Shoaie, Alireza (۲۰۰۸). “**An Intro, A Review on Secularism and Religious Theories in Ethical Growth**”. *Psychology in Religion*, No. ۲: ۱۶۵-۱۷۶.

